



## بيانات در دیدار اعضای ستادهای کنگره شهدای امور تربیتی، کنگره شهدای دانشجو، و کنگره شهدای هنرمند - 7 / آسفند / 1393

بسم الله الرحمن الرحيم

بسیار جلسه‌ی نورانی و معطر و پرمغز و پرمعنایی است. کسانی که به عنوان شهید در این جلسه معرفی شدند، جزو قشرهای برتر و نخبه‌ی جامعه‌ی اند؛ دانشجویانند، هنرمندانند، معلمانند، دانش آموزانند؛ این نشان دهنده‌ی این است که انگیزه‌ی فدکاری در راه خدا و شهادت در این راه، در سطوح گوناگون در جامعه‌ی ما رواج و گسترش داشته؛ این خیلی مطلب مهمی است. استاد دانشگاه میرود شهید میشود، هنرمند میرود شهید میشود، دانشجو میرود شهید میشود. بسیاری از این نام آوران عرصه‌ی دفاع مقدس ما - که نامهایشان زینت بخش خیابانهای ما و مراکز ما و عکسهاشان زینت بخش محیطهای زندگی ما است - یا اغلب‌شان، دانشجویانی بودند؛ بعضی از اینها حقیقتاً نوابغ بودند؛ هنرمندانی بودند، معلمانی بودند، استادی بودند؛ رفتند و جان خودشان و عمر خودشان را - ارزشمندترین چیزی که انسان از امور مادی در اختیار دارد یعنی زندگی خودشان را - در راه خدا، در راه اهداف، هدیه کردند، تقديم کردند؛ این بسیار مهم است.

جلسات بزرگداشت، ادامه‌ی حرکت جهادی و ادامه‌ی شهادت است. اگر نام شهیدان ما تکرار نمیشد، تجلیل نمیشند و احترام به آنها و خانواده‌های آنها در جامعه‌ی ما به صورت یک فرهنگ درنمی‌آمد - که خوشبختانه به صورت فرهنگ درآمده - امروز بسیاری از این یادهای ارزشمند و گرانبهای فراموش شده بود؛ این ارزشگذاری عظیمی که با حرکت شهادت در یک جامعه به وجود می‌آید، به فراموشی سپرده شده بود. نباید بگذارید این اتفاق بعد از این هم بیفتند؛ روزیه روز باید یاد شهدا و تکرار نام شهدا و نکته‌یابی و نکته‌سنجه زندگی شهدا در جامعه‌ی ما رواج پیدا کند. و اگر این شد، آن وقت مسئله‌ی شهادت که به معنای مجاهدت تمام عیار در راه خدا است، در جامعه ماندگار خواهد شد. و اگر این شد، برای این جامعه دیگر شکست وجود نخواهد داشت و شکست معنا نخواهد داشت؛ بیش خواهد رفت. عیناً مثل ماجراهی حسین بن علی (علیه السلام)؛ امروز ۱۳۰۰ سال یا بیشتر از شهادت حضرت اباعبدالله (علیه السلام) میگذرد و روزیه روز این داستان برجسته تر و زنده تر شده. این داستان در بطن خود دارای یک مضامینی است که این مضامین برای حیات اسلامی جامعه ضروری است. اگر این مضامین گسترش پیدا نمیکرد، از اسلام و از قرآن و از حقایق معارف اسلامی هم امروز خبری نبود. اینجا هم همین جور است؛ نگذارید نام شهدا و یاد شهدا فراموش بشود یا در جامعه‌ی ما کهنه بشود؛ و البته با ابتکارات؛ این جلسات بزرگداشتی که آقایان به وجود می‌آورید - که خیلی بالارزش است - صرف‌اکثر یک جلسه‌ی ترحیم باشکوه نیست؛ این جلسات، دارای مضامین ویژه‌ی خودش است؛ بایستی شهادت را معنا کند، شهید را معرفی کند، فرهنگ شهادت را در جامعه ماندگار کند. در مورد شهید خدای متعال میفرماید که اینها زنده اند؛ و لا تقولوا لمن يُقتلُ فی سَبِيلِ اللهِ اموات. (۱) ولا تحسَبْنَ الذين قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللهِ امواتاً بَلْ أَحْياءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ \* فَرَحِينَ بِمَا أَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ. (۲) اینها آیات قرآن است؛ اینها صریح در یک معارف هیچ مسلمانی نمیتواند چشم بپوشد. هر کسی به اسلام و به قرآن اعتقاد دارد، این معارف بایستی جلوی چشمش باشد. این آیه‌ی شریفه قرآن میگوید اینها زنده اند؛ حیات اینها یک حیات واقعی است، یک حیات معنوی است و نزد خدای متعال مرزوقدند؛ یعنی دائم تفضلات الهی دارد به اینها میرسد؛ فَرَحِينَ بِمَا أَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ آن طرف مرز زندگی و مرگ چه خبر است؟ انسانها از آن عالم و نشهه‌ی مجھول چه میدانند؟ در مورد شهدا میدانیم که اینها خرسندند، خوشحالند، مسرورند؛ فَرَحِينَ بِمَا أَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ. بعد از این بالاتر؛ وَ يَسْتَبِشُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحِقُوا بِهِمْ؛ (۳) یعنی با ما دارند حرف میزنند، خطاب میکنند به



ما: الا حَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزُنُون. (۴) خیلی مهم است؛ این گوشی که بتواند ندای ملکوتی شهدا را بشنود، این گوش را باید در خودمان به وجود بیاوریم. آنها دارند به ما بشارت میدهند، مژده میدهند، خوف و حزن را نفی میکنند؛ الا حَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزُنُون. ما بر اثر ضعفهای خودمان دچار خوف میشویم، دچار حزن میشویم؛ اینها به ما میگویند که شما خوف ندارید، حزن ندارید یا در مورد خودشان میگویند یا در مورد ما - بنابر اختلافی که حالا در تفسیر این آیه‌ی شریفه ممکن است مطرح بشود - خوف و حزن را بومیدارند؛ چه در این نشئه، چه در آن نشئه. برای یک ملت چقدر مهم است که در حرکت خود، در پیشرفت خود حقیقتاً دارای خوف نباشد، دارای حزن نباشد، با امید حرکت کند؛ این پیام شهدا است به ما؛ که باید این پیام را شنید. شماها با این جلسات، با این اجتماعاتی که تشکیل میدهید، موظفید این پیام را به گوشها برسانید.

نکته‌ی خوبی را برادرمان (۵) گفتند که وقتی جلسه‌ای تشکیل میشود در بزرگداشت شهیدان، آنهایی که شرکت میکنند در این جلسه، هرچه دارای ارج و مقام باشند، بیش از آنچه آنها به آن جلسه برکت و فایده و عظمت بدھند، آن جلسه است که به آنها خیر و برکت و هدایت و معرفت میدهد؛ واقع قضیه‌ی این است. کاری کنید که این جلسات، این برکات را داشته باشد؛ اینها را گسترش بدھد، این فرهنگ را در جامعه گسترش بدھد. ملت ایران کار بزرگی انجام داد؛ کار عظیمی انجام داد. در دنیایی که مبتنی بر مدار زور و زورگویی و چپاولگری قدرتمدنان و زورمندان است و ملت‌های مستضعف در مناطق فراوانی از عالم دائماً در زیر فشار این زورمندان قرار دارند، در این دنیا یک موجودی، یک هویتی سر بلند کرد که صریحاً، بدون ملاحظه، با شجاعت کامل این حرکت غلط عالم را - که حرکت سلطه‌گری است و ما از آن تعبیر میکنیم به نظام سلطه - نفی کرد؛ این کار ملت ایران است. ملت ایران نظام سلطه را که مبتنی بر سلطه‌گر و سلطه پذیر است، نفی کرد. مبنای دنیای قدرتمند چپاولگر، بر تقسیم دنیا به سلطه‌گر و سلطه پذیر است؛ امروز هم همین جور است، در دورانی که انقلاب اسلامی به وجود آمد هم همین جور بود و در طول تاریخ هم همین جور بوده است؛ البته امروز شدیدتر از دورانهای گذشته است؛ چون امروز ابزارهای سلطه، قابل مقایسه با صد سال پیش و هزار سال پیش و پنج هزار سال پیش نیست؛ لذا سلطه‌گران امکان تسلط بیشتری بر مظلومان و بر مستضعفان دارند و از این امکان دارند به طور کامل استفاده میکنند؛ منابع را میبرند، فرهنگها را نابود میکنند، انسانها را تذلیل میکنند، در بین ملت‌های مظلوم و محروم گرسنگی را گسترش میدهند؛ و فجایع فراوان دیگر. در مقابل این حرکت، یک هویتی به وجود آمد به نام انقلاب اسلامی که متکی بود به مبانی وحی، مبانی الهی، اخلاق الهی، حرکت الهی و آنچه قرآن با صراحة دارد آن را بیان میکند؛ این حرکت ملت ایران است. این حرکت بحمدالله روزبه روز هم توسعه پیدا کرده؛ این حرکت پیش رفته.

ما مدّعی نیستیم که توانستیم اهداف اسلامی را در کشور پیاده کنیم؛ ما این را اصلاً ادعا نمیکنیم. ما در بسیاری از موارد توانایی هایمان محدود بوده است و آنچه را میخواستیم عمل کنیم، نتوانستیم در آن حدّ مورد علاقه‌ی خودمان عمل کنیم اماً حرکت خودمان را ادامه دادیم؛ ما به سمت این قله داریم حرکت میکنیم. سعی کردند ما را از این حرکت پشیمان کنند، نتوانستند؛ سعی کردند متوقف کنند، نتوانستند؛ سعی کردند ما را به عقب برگردانند، نتوانستند. بله، به قله نرسیدیم اماً از این دامنه، مبالغ زیادی حرکت کردیم و پیش رفتیم و این حرکت ادامه دارد و این انگیزه ادامه دارد و این انگیزه روزبه روز ان شاءالله بیشتر خواهد بود و متوقف نمیشود. یک روزی بعضی‌ها فکر میکردند و بعضی‌ها هم به زبان می‌آوردند که آقا شما این بچه‌های دانشجو را دارید میبرید جبهه - درحالی که ما نمیبردیم، خودشان داشتند با شوق میرفتند؛ آنهایی هم که جلویشان گرفته میشد، با انواع تلاشها و ترفندها افراد پیرامون خود را وادار میکردند که اجازه بدھند بروند - دانشگاه‌ها خالی میشود، علم متوقف میشود؛ حرکت آنها و تلاش آنها و مجاهدت آنها موجب شد که ما در حرکت علمی خودمان؛ از سایر حرکاتی که در جامعه به وجود می‌آید، پیشتر و بیشتر جلو برویم. بحمدالله امروز ما در حرکت علمی مان در سطح کشور، یک وضعیت قابل قبولی

داریم؛ یک وضعیت افتخارآمیزی داریم؛ آن روز شاید گفته میشد که اگر چنانچه این نخبه، این هنرمند، این دانشجو، این استاد، این معلم برود به جبهه و کشته بشود، خلاً به وجود می‌آید. معلوم شد که برکات شهادت و جهاد در راه خدا خیلی بیش از این حرفها است. آنها رفتند، [اما] امروز بحمدالله برجستگانی به وجود آمدند که در عالم علم، در زمینه های هنر، در بخش‌های گوناگون، برجسته اند؛ یعنی قابل نشان دادن در سطح بین المللی و جهانی هستند. اینها برکات حرکت و مجاهدت یک ملت است و این ادامه خواهد داشت؛ پیش خواهد رفت و ادامه خواهد داشت.

من عقیده‌ی راسخ دارم بر اینکه یکی از نیازهای اساسی کشور، زنده نگه داشتن نام شهدا است؛ این یک نیازی است که ما - چه آدمهای مقدس مآب و متديّن باشیم؛ چه آدمهایی باشیم که خیلی هم مقدس مآب نیستیم، اما به سرنوشت این کشور و به سرنوشت این مردم علاقه مندیم - هرجور که فکر بکنید، بزرگداشت شهدا برای آینده‌ی این کشور، حیاتی و ضروری است. فرهنگ شهادت یعنی فرهنگ تلاش کردن با سرمایه گذاری از خود برای اهداف بلندمدّت مشترک بین همه‌ی مردم؛ که البته در مورد ما آن اهداف، مخصوص ملت ایران هم نیست، برای دنیا اسلام بلکه برای جهان بشریت است. این فرهنگ در جامعه‌ای اگر جا افتاد، درست نقطه‌ی مقابل فرهنگ فردگرایی غربی امروز [است] که همه چیز را برای خود و با محاسبه‌ی شخصی می‌سنجند؛ برای همه چیز یک قیمت اسکناسی و پولی قائلند و آن، به دست آوردن آن پول است؛ این درست نقطه‌ی مقابل آن فرهنگ است؛ یعنی «و یؤثرونَ عَلَى أَنفُسِهِمْ»؛ (۶) اینها کسانی هستند که ایثار می‌کنند؛ فرهنگ ایثار، فرهنگ گذشت، فرهنگ مایه گذاشتن از خود برای سرنوشت جامعه و برای سرنوشت مردم. این فرهنگ اگر عمومی شد، این کشور و هر جامعه‌ای که این فرهنگ را داشته باشد، هرگز متوقف نخواهد شد؛ به عقب برخواهد گشت و پیش خواهد رفت. این کار شما این فرهنگ را زنده می‌کند. بنابراین من از همه‌ی برادران و خواهرانی که در این کار نیک مشغول همکاری و شرکت در این کار هستند تشکر می‌کنم و امیدوارم که همه موفق باشید. این سه مجموعه‌ای که امروز اینجا حضور دارید - مجموعه‌ی ستاد بزرگداشت شهدا هنرمند، ستاد بزرگداشت شهدا دانشجو، ستاد بزرگداشت شهدا معلمان امور تربیتی - هر کدام از اینها در نوبه‌ی خود یک کار بالارزش و پرمغز و پرمضمونی است که ان شاءالله آثار آن را هم در جامعه مشاهده خواهیم کرد. **والسلام عليکم و رحمة الله.**

(۱) سوره‌ی بقره، بخشی از آیه‌ی ۱۵۴

(۲) سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۶۹ و بخشی از آیه‌ی ۱۷۰؛ «هرگز کسانی که در راه خدا کشته شده اند، مرده مپندار، بلکه زنده اند که نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند. به آنچه خدا از فضل خود به آنان داده است شادمانند...»

(۳) همان؛ «...و برای کسانی که... به آینده نپیوسته اند شادی می‌کنند...»

(۴) همان؛ «...که نه بیمی برایشان است و نه اندوهگیان می‌شوند.»

(۵) آقای حسین مسافرآستانه

(۶) سوره‌ی حشر، بخشی از آیه‌ی ۹؛ «...آنها را بر خودشان مقدم میدارند...»